

- چشم‌اندازی به مثابه سبک زندگی
- پارخونی حکم‌سازانسی
- دین و سیاست: گشت با پوست!
- نمادهای جاذبه‌مند با تکیه بر قرآن و سنت
- سبک‌دوالتربین کجاست!
- مبانی و منابع مشاوره پژوهی
- «مطلق» و برخی از مهم‌ترین مفاهیم
- «پارتنریسم معارف اسلامی»: مسئله این است!
- امور گروه‌های معارف اسلامی
- آن «تکلیف» با این «حرفیت» نمی‌خواند!
- معارف با دو پای «آموزش» و «پژوهش» پرواز می‌کند!
- عاقبت‌کننده از سوی منتقدین

وحدت حوزه و دانشگاه از منظر آینده‌پژوهی



شعبه نامه

- وزگی‌های عقیدتی شیعیان
- سبک‌پژوهی در غرب
- شیعه‌شناسی، در دانشگاه‌های ایران
- ذایرة المعارف شیخ
- شیعیان و بهره‌مندی از اینترنت
- شیخ هراسی در هالکوبود
- شعبان خوجه
- پشتگمان پیداری اسلامی در جهان نسک



عروستان حریم حساس
استغفار
در گدنگ با دکتر سید زری



اتحادیه بحرین
در گدنگ با آیت‌الله
شیخ محمد سیدالبحری

با آفری از

- آیت‌الله سید مجتبی موسوی آزری
- دکتر محمد رضا جوهری، دکتر حمید رضا شاکری
- دکتر عین‌الله خادعی، حجت‌الاسلام سید محمد تقی
- حجت‌الاسلام حسین عزیزی
- حجت‌الاسلام علی رهبر اسلامی
- استاد الف. ف. (اسدوار)
- استاد سید محمد مهدی میرباقری
- استاد محسن قرائتی، دکتر فاضله جان احمدی
- ...

بازخوانی حکم سَابِ النَّبِیِّ



به بهانه توهین اخیر مکتوبه به صاحب قلمی رسول الله

درآمد

حکمتی که سلمان رشدی در کتاب آیات شیطانی به رسول الله ﷺ لغات کرد، امام خمینی رحمته الله علیه حکم اعلام وی را صادر کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران تمام مشکلات مسلمانی را برای رسانی خدا یا جان و مال پذیرفت. عمل سلمان رشدی مصداق روشن دو عنوان مجرمانه صلیبگویی و هژموند فطری است که حکم هر یک به تهای اعلام است. شجاعت امام خمینی رحمته الله علیه در دفاع از پیام اسلام ﷺ با صدور حکم قتل سلمان رشدی و بازسازی بر آن قدرت اسلام و به ویژه تشیع را بر جهان اسلام پیاده ساخت تا حدودی موج لغات به مقدمات مسلمانان را مهار نماید و در مسلمانان حدی عموم متدینان جهان روحیه و جرأت پاسداری از مقدسات را ایجاد یا تقویت کند. حکم امام خمینی رحمته الله علیه چنین بود: همه اطلاع مسلمانان غیر سراسر جهان می‌رسدیم موافق کتاب آیات شیطانی است که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است. همچنین ناشرین مطبع از محتوای آن محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیر می‌خواهیم تا در هر نقطه‌ای که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات توهین نماید و هرکس در این راه گشته شود، شهید است آن‌شاهد. ضمناً اگر کسی دست‌رسی به موافق کتاب دارد و خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعصابش برسد.^۱

حسین نظری معلقه که در این شایع، این اطلاعیه را صادر کرد، فرستادگی گروهی استعماری خارجی به دروغ به ستواین نظام جمهوری اسلامی است می‌دهد که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه نکند، حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: این موضوع سندی است که می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال، تمامی هم خود را به کارگیرد تا او را به درک واصل گرداند. حضرت امام اضافه کردند: اگر فرستادگی از مکتب او مطبع کرده و قدرت آن را داشته باشد تا سحر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جابزه و یا مزد عمل به او بپردازند.^۲

توهین و سب حضرت محمد ﷺ در فقه اسلامی مجرمه است و اعدام و مجازات فطری و مشخص دارد قتل و اعدام، کفر شناخته شده و مجازات و حکم شرعی سبگویی ﷺ در شریعت اسلامی است. در بررسی استدلالات این حکم و تعیین دلایل آن، گزارشی از آراء و فتاویای قضایی مسلمانان از صدر اسلام تا عصر حاضر ارائه می‌گردد.

توهین و سب به گونه‌های متنوع و ابزارهای گوناگون می‌تواند تحقق یابد.

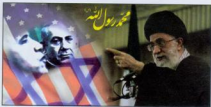
لغات و سبگویی با وسایل مدرن هم گناه بزرگ و نفس حقوق مذهبی بشر است. سب در قول و فعل به شکل‌های متفاوت امکان‌پذیر بوده و خواهد بود. هر کس به قصد توهین و سب رسول الله ﷺ سب را با فیلم یا سبک در تئاتر ایفا می‌نماید، کتاب یا مقاله یا داستان یا رمان یا خاطره بنویسد و یا چاپ کند، در فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال مطلب یا کارتون یا عکس یا نقاشی نشر می‌سازد، سخنرانی کند، پیامک یا سبک یا فرستاده یا متن سبگویی توهین نماید یا کارگردانی کند یا در نقش اعضا سبک به سبک قدسی پیامبر ﷺ بازی کند یا در کافه یا شبکه‌های ماهواره پخش نماید و یا ... همه مستوجب مجازات است و شامل حکم و قانون سبگویی ﷺ می‌گردد.

سبگویی در نظر علی

گمانی که سخنان پیامبر ﷺ را درباره حکم سبگویی ﷺ شنیده و سبگویی توهین را در برخورد با شایعگویی ﷺ دیدند، با حکم شرعی و مجازات تنبیهی لغات کننده به پیامبر آشنا شدند و پیشگامان ایرانی حکم سبگویی ﷺ و اطلاع حکم به نسل بعد از خود پرداختند.

نخستین ایمان آورنده به پیامبر اسلام، وزیر، وصی و خلیفه ایشان امام علی رحمته الله علیه از پیشگامان ایرانی حکم شرعی برای لغات‌کنندگان به رسول الله ﷺ





پایمان نشیبه خود دیگر نیست. هر مسلمانی شستوپایم. کند مراد است و هر معاهد و کافر ایرانی که پاسور را دشنام دهد مجازب است» به نظر این نشیبه این نوشتار لوپکر سرامت در وجوب قتل سانسائیس کرد» مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن»
 اوپوزه قتل است «لوپکر از مردی به شدت به خشام آمد، به گوتهای که رنگش تغییر یافتند او به لوپکر دشنام داده بود. به لوپکر گفت: گردش از بزوم و او را بکشند» وی گفت: وای به حالت حکم قتل برای سانسائیس پس از رسول الله» برای هیچ کس نیست» است این سانسائیس از معاهد آورده است: همدی را

که سب نی» کرده بود نزد عمر آوردند او را کشتند و گفتند هر کس خدا یا یکی از انبیاء را سب کرد بکشند» زامعی از کنار عهده بن عمر گفتند که تو گفتی این راهب پیامبر است» ما سب می‌کنیم اگر سب او را بشنوم او را می‌کشیم ما با آن عهد کرده ایم و سب به آن بیان شده است که پیامبر ما را سب کند» فرقه بن حارت کندی صحابی سفید نمرانی‌ای پیامبر است» را دشنام داد و او را زد و بینی‌اش را خورد کرد. سفید عاصی ششید که گفت ما با آن عهد کرده ایم سانسائیس فرقه پامیج داد، معاف گفتا آیا ما با آن عهد بستیم اظهار شستو نی» نمایند» عربین عبدالعزیز به حاکم کوفه نوشت: قتل هیچ مسلمانی برای سب هیچ کسی حلال نیست جز مردی که رسول الله را سب کند پس هر کس پیامبر را سب کرد خودش حلال است»
 ارد و نظری که از برخی اصحاب پیامبر و تابعین ذکر شد برای نشان دادن شهرت کبیر قتل سانسائیس، در عصر است و صدر اسلام

است. برخی از اقدامات امام علی علیه السلام در به کبیر رسائیس از دهندگان به رسول الله علیه السلام در تاریخ اسلام مشهور است. از همین جوان بفر تنها دو تن به فرمان پیامبر خدا شدند. امام علی علیه السلام مرتب و عهده بن این معصوم را به کبیر رساند. جرم این دو دشمنی با خدا و پیامبر و ثابت و از زبانی و عملی آن حضرت بود.

حکم سانسائیس در حکم شیعه

از آنجا که ما پیانگزار و مؤسس مذهب شیعه را حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اصول مذهب شیعه را از رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می‌شناسیم و اعتقاد داریم تابع در مکه و مدینه در دوران ۲۳ سال رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حتی پس از رحلت او و بر اساس وحی الهی و سینه نبوی پدید آمد و حتی نام شیعه از رهسودها و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است نیز نقل کرده اند اخذ شده است» چنانکه همین طقیفیت را امام علی علیه السلام برای ششیمان رسالواری نموده و نوشتند: «التمو شیعه انبی محمد صلی الله علیه و آله و سلم غیر مختصی امر غیر متابع» یعنی شما شیعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستید شیعه اسم اختصاصی افرادی نظیر سلمان، مقداد، عمار و لوپکر نیست بلکه اسم عام است برای تمام کسانی که مؤمن به نبی و وصی نبی باشند به کار می‌رود. شیعه امر نوظهور و جدید و بدعت نیستند بنابراین مسلمانان به احادیث نبوی در مسئله سانسائیس و در مجموع سنت پیامبر به همراه آنچه از روایات کلمه معصومین علیه السلام در کتب حدیث معتبر شیعه و اهل سنت و تواتر در طقیفیت نظریه پیانگزار مذهب شیعه و خلفاء و اوصیای ایشان است.

سانسائیس در نزد اصحاب

معموم اصحاب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در پرتو آموزش‌های حضرت پی به حکم سانسائیس برده و به آن اعتقاد داشتند این نشیبه می‌بویسد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گونه‌ای بودند که هر گاه می‌شنیدند کسی آن حضرت را سب می‌نماید و از او می‌بهد او را به قتل می‌رسانند و کسی که اقدام به قتل سانسائیس می‌نمود پاور خدا و پیامبرش نامیده می‌شد» وی مدعی اجماع صحابه بر حکم قتل سانسائیس است و اعتقاد دارد ادعای اجماع صحابه در هیچ مسئله فرعی‌ای رسالت از مسئله سانسائیس نیست» معاهد از این عریس نقل کرده است: «عمر مسلمانی که خدا یا یکی از پیامبران را سب کند رسول الله علیه و آله و سلم را نکند» سوده و این از ادعای است و وادار به نوبه می‌گردد اگر برنگشتن باید که کافر شسود و هر کافر معاهدی دشمنی ورزد و خدا یا یکی از پیامبرانش را سب نماید نفقش عهد کرده است پس او را بکشند» سب پس عمر تمیمی در کتاب «المرآة و القسوح» می‌گوید: «مجاهد می‌نماید که سانسائیس حاکم پامنه بود زنی لوپکر از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و دشنام داد سانسائیس را برید و دشنام‌های پیشین او را کند. خبر به لوپکر رسید، او را نامه نوشتند به من خبر رسید درباره زنی که از او زارها و سخنانش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دشنام داده چه کار کردی» اگر پیش از آن کار، از من نظری می‌خواستی به تو فرمان می‌دادم که او را به قتل برسانی زیرا خدا

آراء مذاهب اهل سنت درباره سانسائیس

پیانگزاران مذاهب چهار گانه اهل سنت ملاک بن نبی، ابوحنیفه، احمد بن حنبل و محمد بن ابریس شافعی، کبیر قتل را برای سانسائیس بپایرقتند گرچه اختلاف آنان در میانی و دلایل، گستره و دوایر، انواع و اشکال، جزئیات و احکام سانسائیس است. بدون این‌ها نیز بر قتل سانسائیس اتفاق دارند به گوتهای که بسیاری از دانشمندان اهل سنت ادعای اجماع بر مجازات قتل سانسائیس نموده اند. پایش قتل سانسائیس از جانب مذاهب چهار گانه اهل سنت در کتابهای آنان گزارش شده است» این نشیبه درباره فتوای امامان چهار گانه مذاهب اربعه می‌بویسد: «دشنام دهنده به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمان باشد، خلاقی نیست در این که کافر شده و به قتل می‌رسد و همین مذاهب و نظر امامان چهار گانه در غیر آن است»
 همه فقیهانی نیز که در آثار خویش به مسئله دشنام و سانسائیس بپایرقتند، بدون استثناء از قتل سانسائیس یاد کرده اند. بسیاری از آنان ادعای نفی خلاف کرده و تصریح بر اجماع و اتفاق فقیهان معاصر خویش نموده اند.

فتاوی فقیهانی شیعه

هر یک از فقهانی شیعه که به موضوع سانسائیس توجه کرده و از آن سخن گفته است، بدون هیچ کوتهایی، بر قتل سانسائیس اصرار و پافشاری کرده است. در کتابهای فقهی در نواب حسود، آزادان و فرقه نهجیسات، مکتب محرمه به مناسبت از حکم قتل سانسائیس سخن گفته شده است. فقیهان و مجتهدان شیعه در عصر رسالت و دوران حضور امام سده صلی الله علیه و آله و سلم در طایفه اصحاب و شاگردان معصومین علیه السلام قرار داشتند این طقیفیت را در کتاب فقه مآثور و نقل حدیث متبرین از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نموده اند. از آن روگ نبوی و حدیثی پسران معصومین علیه السلام کتب آری و فتوای آنان نیز سده صلی الله علیه و آله و سلم «اصول ازبده» چهارم سده فقهی مآثور، از اصحاب امامان بوده است که در کتب اربعه برجسته حدیثی، به ویژه نخستین

آنها «کتابی» کلیبی گردآوری شد.^{۱۰}

نخستین فقیهی که علاوه بر کتابهای جدیدی در کتاب اجتهادی خودش، بدون نقل حدیث، نظر و فتاوی خود را با تکیه بر تفاسیر حدیثیه و روای در کتاب «تهدیه فی الأصول و الفروع» چنین فتوا داده است، مهرکس پیامبر علیه السلام است. ابتدا با ابراهیم قزوینی صاحب «سما یکی از اهلان کلام» در کتابش «دعوت و شرا کوبد خویش از همان ساعت جلال منوره»^{۱۱} پس از وی سید مرتضی علم الهدی در «انتصار فی تقررات الامامیه»^{۱۲} آراء و فتاوی بیابانگران سابق چهار کلام اهل سنت و سایر فقیهان بزرگ متنی مذہب در مستند سائنسی علیه السلام را آورده و نقد و بررسی نموده و سپس نوشته است: «از مندرجات اشعریه قول به این است که هر کسی پیامبر علیه السلام است که صلوات باشد یا نبی، در آن حال (در همان لحظه برزنگ) گفته شود: «شیخ موسی علم الهدی بر تهنیت الامام و کتاب الخلاف»^{۱۳} و «المسعودی ضمن بحث از ارشاد و در کتاب «تهدیه» جداگانه از سائنسی علیه السلام بحث می کند و می گوید در نهایی منویست «کسی که پیامبر علیه السلام یا یکی از اهلان کلام را سب کند، خویش هنر می گردد و بر هر کسی سب را از او بشنود گفتن محال است»^{۱۴}

برای آگاهی بیشتر از فتاوی فقهایی که به نقل سائنسی علیه السلام فتوا داده اند، می توان به این «کتابهای ذیل مراجعه کرد:

آراء فقیهان اهل سنت

فقیهان اهل سنت از پیروان مذہب چهار کلام و غیر آنان، از زمان تأسیس این مذہب تا عصر حاضر در اثر خویش قول به نقل سائنسی علیه السلام را آورده و بر نقل دشنام جداگانه به پیامبر تصریح نموده اند.^{۱۵} از آنجوه به این مسئله از فتوا و تصریحات بر کثیر نقل سائنسی علیه السلام از صدر اسلام تا فتاوی معاصر، در جهان اسلام از شیعه و اهل سنت، شاید بتوان اشل مقالات فاضل سائنسی علیه السلام را صرف نظر از مانی و لایلی و سایر احکام سائنسی علیه السلام از «هیرویان»^{۱۶} اشاره داشت. البته نظر به تعدادی انواع کتب توسط فقهایی شیعه و اهل سنت در مسئله نقل سائنسی علیه السلام صورت گرفته است نظریه بیشتر به ذهن می رسد.

پی نوشتها:

- ۱- اسلامیک ریفرنس، www.islamiki.com
- ۲- آرسنالدک ریفرنس، پیامبر اسلام علیه السلام در ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱
- ۳- حدیثیه، ج ۲، ص ۵۲، حدیثه امیه، ص ۴۰
- ۴- همان، ص ۲۱، ص ۲۹۴
- ۵- از عقاید نسوده السیود، ج ۱، ص ۱۰۱، از: کمال فی الفروع، ج ۲، ص ۲۶، فتاوی عیاشی، شرح تصدیق عقیل العسقلی، ج ۲، ص ۵۲، از: اسرار الفقهیه المهاب فی فقه مذہب الامام سائنسی علیه السلام، ص ۲۲
- ۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲ و ۱۳
- ۷- امام خمینی، سجدیه نوب، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۱، از: کشف القلوب، ص ۵۱، ص ۱۳ و ۱۲، طابقاتی، شیعه در اسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، منقول عقاید زائری، کتاب آئینه، ج ۲، ص ۲۴، از: دفتر، انسان امروز، ص ۱۸۸، خوری، سیرتوس سید الشهدا، قرب المیزاب، ج ۱، ص ۲۲۱، از: خطب، ص ۱۲۸، ماکه العسقلانی، اولاد سید شهدا، ص ۲۰۲، از: حجر، مقالاتی از امام الزین، ص ۱۲۸ و ۱۲۷، مقاله مجلسی، بحر العلوم، ص ۱۲ و ۱۱ و ۲۲
- ۸- مقاله مجلسی، بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۰
- ۹- همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۱۰- همان، ص ۱۲۲
- ۱۱- همان، ص ۱۲۲
- ۱۲- همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۱۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲
- ۱۴- همان، ص ۱۲۲
- ۱۵- همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۱۶- همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۱

- ۱۶- فتاوی عیاشی، شرح تصدیق عقیل العسقلی، ج ۲، ص ۲۲
- ۱۷- الزینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱ و ۱۲۰ و ۱۱۹، فتاوی عیاشی، شرح تصدیق عقیل العسقلی، ج ۲، ص ۵۲، از: اسرار الفقهیه المهاب فی فقه مذہب الامام سائنسی علیه السلام، ص ۲۲
- ۱۸- از: کتابخانه کلاسیک، ج ۲، ص ۲۰، ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۱۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۲۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۲۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۲۲- شیخ صدوق، انوار الابرار فی الاموال و القرب و ج ۱، ص ۲۲۸
- ۲۳- سید مرتضی علم الهدی، الانتصار فی تقررات الامامیه، ص ۲۸، ص ۲۹
- ۲۴- شیخ موسی علم الهدی، کتاب الخلاف، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۲۲
- ۲۵- شیخ موسی علم الهدی، المسعودی فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۲
- ۲۶- شیخ موسی علم الهدی، فی معراج الفقه و القانو، ج ۱، ص ۳۰
- ۲۷- فتاوی ابن ابراهیم السیود، ج ۲، ص ۱۲۲، الخوارزمی فی الفقه، ص ۲۲، از: اسرار الفقهیه المهاب فی فقه مذہب الامام سائنسی علیه السلام، ص ۲۲
- ۲۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۲۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۳۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۴۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۵۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۶۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۷۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۸۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۱- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۲- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۳- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۴- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۵- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۶- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۷- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۸- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۹۹- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱
- ۱۰۰- ابن زینب، انصار المسلمین علی شام الرسول، ص ۱۲۲ و ۱۲۱

